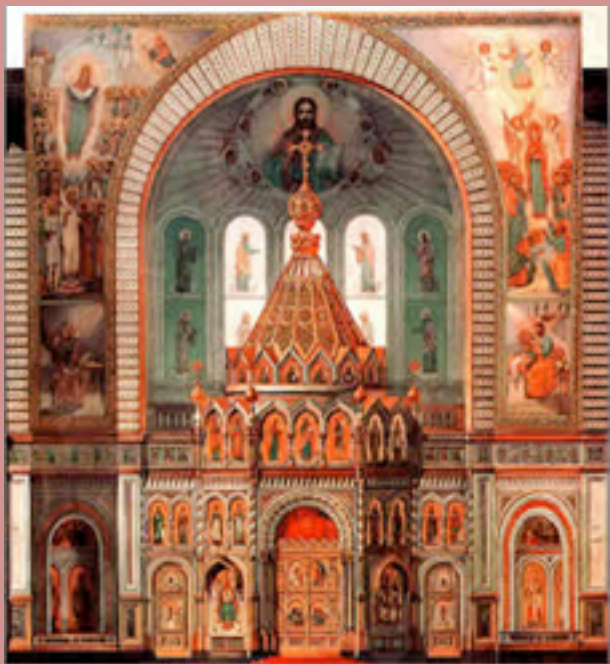


کلام و راز

در کلیسا

گریگوری باوم



این کتاب ترجمه ای است از :
WORD AND SACRAMENTS
IN THE CHURCH

1963, PAULIST PRESS

نام کتاب: کلام و راز در کلیسا

نویسنده: گریگوری باوم

سطح متوسط

کلیه حقوق این کتاب متعلق به سایت :
<http://www.irancatholic.com>
می باشد.

کلام و راز در کلیسا

خودکشفی الهی	۵
الگوی مربوط به آیین نیایشی کلام و رازهای مقدس	۷
عیسی کلمه خدا	۸
راز عیسی	۹
کلام خدا در کلیسا	۱۱
<i>Kerygma</i> (اعلام، موعظه، بشارت)	۱۳
کلمه به عنوان عمل الهی	۱۴
رازهای مقدس در کلیسا	۱۶
رابطه کلام و رازهای کلیسا	۱۸
کلام و راز در عمل	۱۹
سوالاتی برای بحث گروهی	۲۳

خودکشفی الهی

خدای سرمدی که پنهان و ماورای درک انسان هاست، خود را به قوم اسرائیل آشکار کرد. خدا با برداشتن فاصله‌ای که خالق را از خلقتش و آن قدوس را از انسان‌های گناهکار جدا می‌ساخت، در تاریخ یک قوم وارد شد و نقشه‌های پراز مهربانی و محبت خود نسبت به آنها را در پیمانی آشکار کرد که آغازگر نجاتی جهانشمول بود.

در عهد قدیم می‌خوانیم که این خودکشفی خدا در یک پیام و در وقایعی که این پیام اعلام می‌کرد و بیان می‌داشت، صورت پذیرفت. خدا می‌گفت و خدا عمل می‌کرد. کلام و عمل با هم پیش می‌رفتند، خدا خود را به موسی آشکار نمود. سپس او حمایت دائمی خود را از آنها و آزادیشان از بندگی مصر را به ایشان وعده داد. او شرایط پیمان‌ش را به اسرائیل اعلام کرد و قوم را به صورت ملتی کاهن درآورد. کلام خدا هرگز جدا از عمل او نبود و عملش نیز بدون کلامش صورت نمی‌پذیرفت. کلام، آن عمل را راهنمایی، همراهی یا احیا می‌کرد و عمل فقط از طریق کلام معنی پیدا می‌کرد. این الگوی دو بعدی در خودکشفی الهی، دو رکن اساسی در برپایی آیین نیایشی اسرائیل را تعیین می‌کند. در آیین نیایشی، کلام خدا که از طریق پیشوایان مذهبی، از طریق موسی و انبیا آشکار می‌شود، به قوم اعلام می‌گشت و کارهایی که خدا از طریق آنها اسرائیل را نجات می‌داد در اعمال نیایشی یادآوری می‌شد.

قوم باید به وعده‌های الهی و فرمان‌های خدا برای اسرائیل گوش می‌دادند و با ایمان به آنها بایستی مشتاقانه در آیین نیایشی وارد می‌شدند.

قوم می بایست نیایش های رازگونه را برپا می داشتند و درحالی که کارهای نجات خود را به یاد می آوردند و در آنها مشارکت می نمودند، ایمان راسخ تری پیدا می کردند که آنها قوم برگزیده خدا هستند. از طریق برپایی این نیایش ها، کلام خدا و کارهای نجات بخش او دیگر اموری صرفاً مربوط به گذشته نمی بودند بلکه در جامعه، زنده و فعال باقی می ماندند که خود قدرتی برای امید، برای احیای مجدد، برای خلقت مکرر ملیت اسرائیل بودند.

آیین نیایشی اسرائیل درحالی که خودکشفی خدا را به جامعه یادآوری می کرد، یک کیفیت ویژه داشت. خود آن در عین حال پرستش خدا بود. خدایی که خودش را آشکار کرده بود، از قومی که با آنها پیمان بسته بود، جواب می خواست. او اطاعت می خواست، کلامی که به آنها اعلام کرد می بایست در ایمان پذیرفته می شد و ایشان کارهای خدا برای نجاتشان را باید به عنوان سبیل زنده سپاسگزاری گرامی می داشتند.

پرستش در اساسی ترین و عمیق ترین توصیفش به شکل قربانی برگزار می شد. آیین نیایشی نه تنها خودکشفی خدا در میان قوم را به معرض نمایش می گذاشت بلکه در بردارنده جواب قوم به خدا بود، پرستش، جوابی از روی ایمان که در مراسم بیان می شد و حرکت جامعه به سوی خدا محسوب می گشت. پرستش قسمتی از آیین نیایشی اسرائیل بود.

قربانی در اسرائیل بر اساس تفکر بت پرستی و بی دینی نبود که در آن رابطه ساده «دادن و گرفتن» بین خدا و انسان وجود دارد. قربانی هدیه انسان برای ترغیب خدا به رفتاری مساعد نسبت به او نیست. قربانی اسرائیل در تمام اشکالش بیشتر نتیجه ابتکار الهی بود. خدا سخن گفته بود. خدا خودش را آشکار کرده بود. خدا همه چیز را داده بود و او برای انسان

ممکن ساخته بود تا بتواند این هدیه را باز پس دهد، آن انسان نیز می توانست همه چیز را بدهد، این قربانی بود.

قربانی در عهد قدیم همیشه ثمره و نتیجه کلام خدا بود. کلام خدا در قربانی، در حالی که زندگی انسانها را عوض می کرد، به آن کسی برمی گشت که از آن آمده بود یعنی پدر سرمدی که در آسمان است (ر.ک اش ۵۵:۱-۲۲). کلام خدا در قربانی ای که اسرائیل تقدیم می کرد به خدا برمی گشت.

الگوی مربوط به آیین نیایشی کلام و رازهای مقدس

الگوی مربوط به آیین نیایشی کلمه و راز آن طور که در عبادت جاری می گردد، در روایت مقدس ابراهیم یافت می شود. کلام خدا برای او بیرون رفت. او ایمان آورد و ما می دانیم که ایمان او برایش عدالت محسوب گشت. خدا در زندگی ابراهیم وارد شد و او را پدر نژاد جدیدی ساخت و سپس لزوم ختنه رازگونه به عنوان یادآوری این انتخاب برای ذریت او مطرح شد. سرانجام خدا فرمان قربانی پسر ابراهیم را داد که به عنوان تسلیم نهایی آن ایماندار است به او که بشریت را خلق کرد و نجات داد.

عهد قدیم فقط یک آمادگی بود. خدا در عهد جدید، کلام نهایی و کامل محبت خود را اعلام کرد و برای آشتی تمام بشریت با خودش مداخله کرد. در نور پیمان جدید، برپایی آیین های نیایشی پیمان قدیم، بیهوده و بی ثمر به نظر می رسند. به این دلیل که اولاً آنها اکنون به تحقق پیوسته اند و ثانیاً در مقایسه با آیین نیایشی عهد جدید فاقد قدرت نجات بخش به نظر می آیند. مادر اینجاییکی از اصول درک رازهای مقدس در کلیسای مسیحی را پیش رو داریم. رازهای مسیحی نسبت به رازهای عهد قدیم برتری دارند. آنچه برتری واقعی که اگر به گذشته نگاه کنیم، مراسم رازگونه قدیم روی هم رفته نوعی

م تفاوت و حتی فقط سایه های آن چیزی بودند که می بایست در آینده بیاید. همچنان که تعمید یحیی با تعمید کلیسا فرق می کند به همان گونه امور آیین نیایشی عهد قدیم با عهد جدید فرق دارد. هرگونه الهیاتی که از این اختلاف غافل شود ناقص است.

عیسی کلمه خداست

عیسی کلمه خداست. حتی بدون توجه به تعلیم یوحناپی که عیسی کلمه «Logos» جاودانی است، «کلمه ای که نزد خدا بود و خدا بود.» عیسی به معنی واقعی، کلمه خداست چون که خدا رحمانیت و حکمت خود را به شیوه دائمی، کامل و نهایی در او آشکار نمود. عیسی فرستاده می شود تا آن راز مخفی در خدا را آشکار سازد. او می گوید: «پدر همه چیز را به من سپرده است و هیچ کس جز پدر، پسر را نمی شناسد و هیچ کس پدر را نمی شناسد به جز پسر و کسانی که پسر بخواهد پدر را به ایشان بشناساند» (مت ۱۱: ۲۷). عیسی کلمه خداست زیرا خدا از طریق او و در او کاملیت نقشه نجات بخش خود را اعلام می کند، عملی می سازد و ارائه می دهد.

عیسی به چندین روش پدر سرمدی را آشکار می کند. عیسی تعلیم جدیدی را اعلام می کند. «شنیده اید که در قدیم به مردم گفته شد، اما من به شما می گویم...» و به این صورت این تعلیم جدید را بیان می کند (ر. ک متی باب ۵). او آنچه را که از خدا دیده است به ما می گوید. او نشان می دهد که خدا محبت است و اینکه از طریق او این امکان برای ما هست تا با پدر یکی شویم. اما این تعلیم «جدید» در واقع کاملاً جدید نیست. عیسی آشکار می کند که آن تعلیم در حکمتی که به اسرائیل داده شد وجود دارد. بنابراین عیسی همچنین به این معنی که او روشنگر عهد قدیم است، کلمه

خدا می باشد. او نشان می دهد معنی عمیق پیمان قدیم که نسبت به کلام او مبهم و ناقص است همانی است که ملکوت را آماده و پیش بینی می کند و به آن اشاره می نماید، ملکوتی که به وسیله مسیح موعود بنیانگذاری می شود. در لوقا می خوانیم که عیسی «از تورات موسی و نوشته های انبیا شروع کرد و در هر قسمت از کتاب مقدس آیاتی را که درباره خودش بود برای آنان بیان فرمود» (لو ۲۴: ۲۷).

به علاوه عیسی از آنجایی که به وسیله کارهایش، نقشه پدر سرمدی را آشکار می کند، کلمه خداست. زندگی و مرگ و پیروزی او نقشه خدا برای نجات جهان و مجرای را که انسانیت باید از آن بگذرد به ما اعلام می کند. همچنین از آنجا که در او صورت خدای نادیدنی برای تمام ایمانداران آشکار می شود تا او را ببینند، کلمه خداست. ابعاد محبت الهی در عیسی آشکار می شود. برای آشکار کردن اندازه محبت الهی، عیسی رنج در این دنیا، گریستن، زخمی شدن و مرگ را انتخاب می کند. او در حالی که به عنوان قربانی شرارت بشر بر روی صلیب میخکوب شده، هنوز به دنیا می گوید: «آنکه مرا دید پدر را دیده است.»

راز عیسی

عیسی کلمه خداست، اما با توجه به موضوعات عهد قدیم، ممکن است عیسی را آن عمل نهایی خدا بنامیم. در عیسی، خدا در تاریخ مداخله می کند. او دوره آمادگی را پایان می دهد و وعده ها را تحقق می بخشد، او ملکوت را یک بار و برای همیشه برقرار می سازد که در آن تمام انسان ها نجات می یابند. خدا در مسیح، بشر را با خودش آشتی می دهد. در او ما در تازگی حیات از نو متولد می شویم. خدا از طریق عیسی همه چیز را برای همه

انسان‌ها انجام داده است. پولس به رومیان می‌نویسد که خدا با وی همه چیز را به ما بخشیده است (ر. ک. ۸: ۳۲).

کار نجات انسان بر روی صلیب جلال، حقیقتاً به انجام رسید، همه کارها انجام شده است. ما با عیسای برخاسته حقیقتاً در خدا هستیم. «زندگی شما اکنون با مسیح در خدا پنهان است» (کولسیان ۳: ۳). بنابراین ممکن است بگوییم که بعد از مسیح کار چندان تازه‌ای از خدا وجود نخواهد داشت و یا بعد از مسیح هیچ تاریخی وجود ندارد. بعد از او زمان کیفیت جدیدی دارد. آخرین سخن گفته شده و آخرین پرده نمایش بازی شده است. حتی بازگشت مسیح در آخر زمان چیز جدیدی نخواهد بود مگر مکاشفه‌ای برای انسان‌ها از آنچه که به هنگام جلال عیسی اتفاق افتاده بود. داوری بر بشر اکنون در مسیح حضور دارد. در او ملکوت برقرار شده است.

پس عیسی از آنجا که ملکوت خدا در میان ما می‌باشد، پیام الهی است. شخص عیسای مسیح به عنوان یک انسان در بردارنده کل خودکشفی خدا در پیمان جدید است. زیرا او نه تنها کلمه بلکه قدرت نیز هست، زیرا در او، قدرت خدا در این دنیا ملموس، مرئی و معلوم می‌شود. عیسای آشکارکننده و آشتی‌دهنده را می‌توان راز منحصر به فرد خدا در عهد جدید نامید. عیسی راز است، زیرا او در بردارنده آن فیضی است که اعلام می‌دارد. در او برخورد‌های انسانی تبدیل به برخورد‌های الهی می‌شوند. محبت نجات بخش خدا در او تجسم می‌یابد. در او، ما با نجاتمان در زمان و مکان روبرو می‌شویم. عیسی شکلی دیدنی از فیض نادیدنی است.

می‌توانیم این نکته را اضافه کنیم: همانطور که کلمه و راز در عهد قدیم در پرستش خدا به پیش می‌روند، آن حرکت قربانی وار خدایی با کاملیتی بی‌نظیر و یگانه در مسیح نیز یافت می‌شود. مسیح هم کاهن است و هم

قربانی. او تقدیم‌کننده قربانی محبت، سپاسگزاری، تجلیل و رضامندی است، قربانی‌ای که در بردارنده تمام آنچه هست که بشر تا به حال به عنوان هدیه به آسمان بلند کرده و تمام آنچه که بشر تحت تاثیر قدرت فیض به پدر سرمدی خود تقدیم خواهد کرد.

عیسی خودش را به عنوان هدیه منحصر بفرد انسان به خدا تقدیم کرد. قربانی عیسی بشر است ولی این به علت ابتکار الهی است و به وسیله شخصیت الهی او ارزشمند گردیده است، تسلیم داوطلبانه بر روی جلجتا، آن قربانی کامل است که یکبار و برای همیشه بشر را با خدای جلال آشتی می‌دهد. پس نتیجه می‌گیریم که عیسی مسیح یگانه کلمه و تنها راز مسیحیت است. هر چیزی که به وسیله کلیسا اعلام شده نهایتاً عیسی مسیح است و هر چیزی که در کیسا بر پا داشته می‌شود نهایتاً عیسی مسیح می‌باشد. در واقع کلمه و راز در مرکز برپایی آیین نیایشی کلیسا است که خود از مراسم قربانی نشأت می‌گیرد، یعنی عشای ربانی که در آن مسیح در جامعه اش به شیوه‌ای ملموس حضور دارد، آن چنان شیوه‌ای که ایماندار زانو می‌زند تا او را ستایش کند.

کلام خدا در کلیسا

کلام خدا در کلیسا اعلان عیسی مسیح است. این انجیل است. اعلام عیسی به عنوان مسیح و خداوند (*Jesous Kyrios*) است این انجیل است در دو کلمه، کوتاه‌ترین اعتقادنامه یا کوتاه‌ترین اعتراف تعمیدی، خلاصه تمام چیزهایی است که بر تجلیل عیسی به عنوان خداوند دلالت می‌کنند. عیسی را *Kyrios* (خداوند) نامیدن، او را در بطن تاریخ نجات قرار می‌دهد و از اینرو کل رابطه خدا با بشر را بیان می‌دارد. «پس ای جمیع قوم اسرائیل

یقین بدانید که خدا این عیسی را که شما مصلوب کردید، خداوند و مسیح کرده است» (اع ۲: ۳۶).

گفتن اینکه عیسی «خداوند و مسیح» شد، اعلام انتخاب اسرائیل، آن پیمان کهنه که به پیمان جدید انجامید، اعلام مسیح موعود و برقراری ملکوت خدا در قدرت است. گفتن اینکه عیسی «خداوند و مسیح» شد فروتنی خادم خدا، اطاعتش تا به مرگ صلیب، رنج نجات بخش او برای گناهان بشر، پیروزی در رستاخیز و بلند شدن انسان به وسیله فیض را بیان می کند. عیسی مسیح کلمه خداست به این معنی که او تمام پیام الهی به جهان را در خودش خلاصه کرد.

علاوه بر این عیسی مسیح به وسیله کلیسا به دنیا اعلام می شود تا بتواند وی را روبرو و در ایمان بپذیرد.

Kerygma (اعلام، موعظه، بشارت)^۱

عیسای اعلام شده Kerygma خوانده می شود. Kerygma در بهترین معنی اش پیامی بود که رسولان به بی ایمانان می دادند. عهد جدید برای ایمانداران اشکال دیگری از تعلیم مذهبی را ذکر می کند. تعلیم بشارتی که رسولان در کلیساهایشان پایه گذاری کردند توضیح و مکاشفه همه آن چیزهایی بود که Kerygma در برداشت و بر آنها دلالت می کرد اما همیشه اصول Kerygmaic را حفظ می کرد. بشارت ها مژده باقی می ماندند. تمام تعالیم کلیسا اعلام عیسی مسیح بود.

در عهد جدید می خوانیم که اعلام کلام مملو از قوت بود. پولس قدیس می نویسد: «انجیل قوت خداست» (روم ۱: ۱۶) از این لحاظ، انجیل با وعده های بیان شده در شریعت کهن فرق می کند. رسولان کلام را به عنوان قدرتی برای نجات بشر اعلام می کنند. آنها فقط خداوند بودن مسیح را آنهم به صورت پیشنهادی که می باید مورد قبول واقع شود، بیان نمی کنند. آنها مسیح را اعلام کردند. خداوند در گفتار آنها حضور داشت و کسانی که ایمان آوردند وارد رابطه زنده ای با او شدند.

۱-Kerygma واژه ای فنی مشتق شده از کلمه یونانی Kerygma به معنی «اعلام و موعظه» (۱) فعل Keryssô بیشتر به کار رفته است. مت ۴۱: ۱۲ (لو ۱۱: ۳۲): روم ۱۶: ۲۵: ۱-۱ قرن ۲۱: ۱، ۲: ۴: ۱۵: ۱۴-۲- تیمو ۴: ۱۷: ۴؛ تیطا ۳: ۱۶.

بشارت عیسی که به خاطر قیام از مردگان بدل به مسیح، خداوند و نجات دهنده گردید. در مفهوم وسیع کلمه شامل می شود برآموزش دینی و رساندن مبانی الهیاتی. این امر همچون پژواکی، پاسخی به تجربه ای که کلیسا از خداوند زنده کسب می کند به شمار می رود.

موعظه کردن]

کلمه خدا از طریق گفتار بشر به طریقی عمل می کند که قلب های شنوندگان را لمس می کند و آنگاه که برای ایمان آوردن آماده شدند خود پیام، دسترسی به نجاتی را که اعلام کرده بود، میسر می سازد. پولس قدیس در تسالونیکیان به ما می گوید: «وقتی پیغام خدا را به شما اعلام نمودیم، آن سخنان را انسان نپنداشتید بلکه گفته های ما را به عنوان کلام خدا پذیرفتید» (۱- ۲: ۱۳).

در موعظه رسولان، مرگ و رستاخیز مسیح، در دسترس جامعه قرار می گیرد و مردم با ایمان آوردن، کار نجات بخش مسیح را به خود می گیرند. در این معنی موعظه کلیسا، حضور مسیح در میان قوم برگزیده اش را ادامه می دهد.

کلمه به عنوان عمل الهی

کلمه در کلیسا روشی از عمل الهی است! این راه فقط راه خدا برای بیان حقیقت نیست همان گونه که کلام انسان انجام می دهد، بلکه راه محبت آمیز او برای تحول دل های ماست. این اساس تعلیم عهد جدید است همچنان که اساس تعلیم آیین نیایشی کاتولیک نیز هست. انجیل قوت است، از این مهم تر اینکه انجیل، مسیح است. در مراسم با شکوه عشاء ربانی برای کتاب انجیل بخور می سوزانند، در حضور جماعت آن را حمل می کنند و با شمع های روشن همراهی می شود به همان گونه که برای راز نان و جام انجام می شود. در پایان موعظه، کشیش کتاب را می بوسد و دعا می کند که انجیل گناه را از دل های ما بزداید:

Per evangelica dicta deleantur nostra delicta

این کلام خدا (یا خودکشی خدا) در کلیسا حضور دارد و به شیوه های زیادی مخصوصاً در مراسم آیین نیایشی کلیسا کار می کند. در تمام متون و

سمبل های آیین نیایشی و به درجات مختلف، حضور دارد حتی در آنهایی که مستقیماً از کتاب مقدس گرفته نشده اند. در موعظه ای که به وسیله کشیش از منبر ایراد می شود، به شیوه ای مخصوص حضور دارد. از آنجایی که بزرگداشت کلام در مراسم عشاء ربانی به وسیله برپایی راز نان و جام دنبال می شود، هر دوی آنها دقیقاً به همدیگر وابسته اند. این مراسم که کتاب مقدس را بیان می کند و توضیح می دهد، باید به عنوان پلی بین کلمه و راز نان و جام عمل نماید.

اگر کلام خدا برای لمس ایماندار است، کافی نخواهد بود اگر فقط به صورت همگانی اعلام شود، مراسم عبادتی باید کلام را «بشکنند» و «پخش نماید» در آن صورت مردم آن را درک خواهند کرد، در نیازهای روزمره به کار خواهند بست و برای ملاقات با خداوند در عشاء ربانی آماده خواهند شد. از آنجا که ایمان شنوندگان کلام مقدم بر رازهای مقدس و دیگر فعالیت های کلیسایی قرار دارد، موعظه حقیقتاً ابتدای تمام رازهاست. کلیسا *creatura verbi* خلقت کلام است به این معنی که قبل از اینکه کلیسا به صورت یک راز و با سلسله مراتب روحانی در یک منطقه جغرافیایی پایه گذاری شود کلام خدا در قلب انسان ها کلیسا را ساخته بود.

گاهگاهی نویسندگان کاتولیک را کسانی می یابیم که معتقدند تنها منابع فیض در کلیسا، رازهای مقدس هستند. این به هر حال ساده انگاری بیش از حد است. مسیح تنها سرچشمه فیض در کلیسا است و در کلام و رازهای مقدس می توانیم به او دسترسی بیابیم. کلام شیوه ای از فیض است. روح در واقع از طریق کلام کار می کند، چه در منبر موعظه شود و چه در قسمت های آیین نیایشی که مربوط به کتاب مقدس است و یا قسمت هایی که به آن ربطی ندارد.

خواندن کتاب مقدس با ایمان، خودش یک وسیله فیض است. ما با کلام خدای زنده روبه رو هستیم که با ما سخن می گوید، نجات در مسیح را برایمان مهیا می کند و اگر ایمان داشته باشیم همچنان که می خوانیم برایمان به وقوع خواهد پیوست. ایمان به کلام خدا دستی است که با آن به مسیح می چسبیم. خواندن کتاب مقدس در این ایمان ملاقاتی الهی است که از طریق آن قول بخشش و بازگشت به ما نیز گسترش می یابد. این ملاقات در روح القدس صورت می گیرد. بنابراین حتی موقعی که در خلوت، در اتاق خود انجیل را می خوانیم این کار به مفهوم الهیاتی آن، قسمتی است از مراسمی که جامعه مسیحی در آن شرکت دارد.

روح القدس به افراد داده می شود اما همیشه در جمع و با دیگران است که افاضه می شود. روح القدس وعده خدا به کلیساست. خواندن انجیل در خلوت را که در زندگی مسیحی بسیار با اهمیت است باید به عنوان امتداد آیین نیایشی کلیسا درک کنیم، قسمتی از نماز صبح، خواندن و تعمق در نماز شب که در اتحاد با جامعه است، جایی که روح ثمراتش را ببار می آورد.

با مشاهده اینکه کلام قوت دارد، قابل دسترسی می کند و آنچه را که اعلام می کند منتقل می سازد، می توانیم از «راز بودن» سخن بگوییم. کلام ممکن است با یک راز مربوط باشد: نشانه ای است که آنچه را بیان می کند در خود دارد.

رازهای مقدس در کلیسا

کلام خدا هنوز فقط یک عطیه برای کلیساست. عیسی عطیه ای دیگر به ما داد که شبیه، مرتبط و با اینحال متفاوت با آن است یعنی آیین های رازگونه

جامعه مسیحی. ملکوتی که در عیسی بنیاد گذاشته شد در اعمال رازگونه برای ما قابل دسترسی می شود. مسیح تنها راز کلیساست همچنان که تنها کلام کلیساست اما به خاطر اینکه ما را کامل تر و بیشتر شبیه خود سازد اجازه می دهد تا به شیوه های رازگونه متعددی در زندگی او شراکت یابیم.

این شیوه های رازگونه عهد جدید نسبت به آیین های عهد قدیم اساساً برتری دارند. اگر چه خدا نادیدنی است و مذهب امری روحانی با این وجود اعمال نیایشی در عهد قدیم کافی بودند زیرا خدا خودش را در تاریخ آشکار کرده بود. حوادث تاریخی معین که از طریق آنها، قوم را از بندگی آزاد کرده بود در آیین های مقدس یادآوری می شدند. به هر حال در عهد جدید دلیل اساسی در مورد رازهای مقدس عمیقتر است. نه تنها ویژگی های تاریخی نجات بلکه به طور بارزتری، انسانیت عیسی مسیح، پسر خدا، اساس زندگی رازگونه کلیساست.

رازهای مقدس عهد جدید کاری بیشتر از یادآوری پیمان فیض انجام می دهند که خداوند با قومش بست. آن رازها عملی را نشان می دهند که به وسیله آن خدا، قوم، کارهای قوم، کارهای عیسی، کارهای انسانی پسر خدا را فدیة داده است. «مسیح در رازهای مقدس در زیر نشان و پوشش اشیای مادی» نزد ما می آید مخصوصاً در آنهایی که به وسیله او تعیین شده اند تا نشانگر او باشند و مخصوصاً به عنوان ابزارهای خودکشی او تقدیس شدند. بنابراین او در رازهای مقدس صورت یک منتقل کننده آگاه را به خود می پذیرد و در همراهی با نشان و عنصر شناخت و درک ما، مشارکت در راز زندگی مجسم و مرگ و رستاخیز را به ما می بخشد.»

رابطه کلام و رازهای کلیسا

مسیح در رازهای مقدس ما را لمس می کند، ما را به مرگ و رستاخیزش می کشد و ملکوتی را که از آن اوست در قلبهای ما بنیان می نهد. ما قبلاً عمل کلام را به شیوه ای مشابه توضیح دادیم. هم کلام و هم راز، ملاقات انسان - در ایمان - با مسیح برخاسته را ایجاد می کند، با کسی که خدا او را در اتحاد با خودش نزدیکتر به طرف خود می کشد. پس کار کلام و راز به شیوه ای موازی هستند و به شیوه ای دیگر همچنان که خواهیم دید یکی مکمل دیگری است. رابطه متقابل آنها هر قدر باشد به هر حال نکته مهم این است که بین کلام و راز پیوند محکمی وجود دارد.

در عهد جدید این اتحاد بروشنی به ظهور رسیده است. در کلیسای رسولان موعظه و راز همیشه همراه هم بودند و از مردم خواسته می شد تا به شیوه ای دو بعدی اما مکمل هم به خداوند جواب دهند: «توبه کنید و تعمید بیابید.» در تمام کتابهای عهد جدید، این اتحاد ایمان و راز اعلام می شود حتی اگر هیچ گونه بحث الهیاتی در مورد رابطه متقابل آنها پرداخته نشده باشد. همان تأثیرات به ایمان که به وسیله کلام ایجاد می شود و به رازهایی که در این ایمان دریافت می شوند، نسبت داده می شود. مخصوصاً در نوشته های پولس قدیس می خوانیم که ایمان، عدالت را برای شخص محسوب می دارد و اینکه تعمید برای انسان عدالت به حساب می آید، اینکه ایمان گناه را برمی دارد و اینکه تعمید گناه را می زداید، اینکه ایمان سرچشمه نجات است، از گناه رهایی می دهد، روح القدس را می بخشد، ما را پسران ابراهیم می کند، فرزند خواندگی الهی در ما ایجاد می کند، اتحاد کلیسا را می آفریند و می خوانیم که تمام این چیزهای عجیب همچنین تأثیرات تعمید نیز هستند. بین کلام و راز پیوند محکمی وجود دارد به طوری که این احساس

را نخواهیم داشت تا بپرسیم اگر کلام ما را عادل می کند و تقدیس می نماید چرا راز لازم است یا اگر راز ما را هم شکل مسیح می کند چرا این همه قدرت را به کلام نسبت می دهیم. این سؤالات از ذهن و فکر رسولان دور هستند. این ها سؤالاتی مناسب ذهن کنجکاو و عقل گرای دنیای یونانی می باشند که هرگز جواب کاملی برای آنها در مکاشفه رسولان نخواهیم یافت. تمام آن چیزی که از رسولان می دانیم این است که بین کلام و راز در کلیسا اتحادی کامل و مستحکم وجود دارد.

کلام و راز در عمل

کلام و راز چگونه در عملشان با هم فرق دارند؟ اگر چه کلام و راز تا اندازه ای موازی هم عمل می کنند، راز چیزی را به تأثیر کلام می افزاید. راز آنچه را که کلام بخشیده است تأیید می کند. راز آنچه را که کلام در ایماندار ایجاد کرده به طور عمیقتری بر روح او نقش می کند. راز رابطه پایدارتری با مسیح ایجاد می کند. ارتباط بین انسان و مسیح در ایمان را دوام، قوت، توانایی تغییر و عمومیت بیشتری می بخشد.

ثانیاً ممکن است بگوییم که راز، ماهیت اجتماعی نجات را بیشتر آشکار می کند. در حالی که کلام خدا به جامعه اعلام می شود و بیان می دارد که عیسی نجات دهنده جهان است در همان حال در پی این است تا تمام انسان ها را به اتحاد با او بکشاند، آیین های رازگونه به طور مؤثرتری کاملیت ایماندار در پیوند با مسیح را اعلام می کنند. رازها بیان می دارند که شخص به تنهایی، بدون یک جامعه زنده، بدون جستجوی عیسی در برادرانش نمی تواند مسیحی باشد. رابطه نوین و فیض بخش با مسیح بیشتر از یک ملاقات شخصی است، بیشتر از یک تجربه «من-تو» است، اطاعتی است در

ایمان و محبت به نوبه برادران بسیار و پیوندی با تمام جامعه ایمانداران ایجاد می‌کند، پیوندی که به وسیله رازهای هفتگانه شناخته می‌شوند. بزرگترین این رازها برپاداشتن مراسم نام و جام مقدس است. معانی زیادی که این کلمه دارد ممکن است بدرستی برای آن به کار روند. جسم خداوند در راز نان و جان، کالبد کلیسایی او را بر روی همین زمین خلق می‌کند.

راه سومی هم وجود دارد که در آن کلام و راز در عملشان با هم فرق دارند، راهی که به خوبی نشان می‌دهد هیچ‌گونه توازی محدودی بین این دو شیوه از حضور مسیح در جامعه وجود ندارد. کلام خدا به طور مؤثری با ما سخن می‌گوید و در ما جوابی از روی ایمان ایجاد می‌کند اما همانطور که گفته ایم عطیه نجات بخش خدا برای انسان از او می‌خواهد تا با تسلیم و اطاعت داوطلبانه فردی، کل جوابش به خدا باشد. ایمانی که به وسیله خدا در ما ایجاد می‌شود از ما می‌خواهد تا خود را به خدا تقدیم کنیم. ایمان، هم در عهد قدیم و هم در عهد جدید، انسان را به قربانی هدایت می‌کند.

کلام خدا کاملاً به سوی انسان است اما در سایه رازهای مقدس، در کلیسای مسیحی مراسم وجود دارد که حداقل قسمتی از آن به سوی خدا نیز هست. آیین نیایشی و رازگونه کلیسا در حالی که بخشش و فیض را به انسان اعلام می‌کند در همان حال عبادتی است برای جلال دادن خدا. چیزی انسانی یا هدیه ای انسانی نیست که از انگیزه انسان به خدا تقدیم شود بلکه در سایه عطایای رازگونه او و به وسیله عملی با زمینه الهی صورت می‌گیرد.

عطایای کلام و راز هر دو همراه با عامل قربانی به طور مؤثرتری در عمل جاودانی آیین نیایشی کلیسا که برپایی مراسم نان و جام مقدسش است، حضور دارند. در این مراسم، خدا در کلام به سوی ما می‌آید. کلامی که به وسیله راز تن و خون مسیح مهر می‌شود و تأیید می‌گردد و در آنجاست که او

ما را قادر می‌سازد تا ما و قربانیمان در قربانی کامل و یگانه شریعت جدید وارد شویم که همانا تسلیم کامل و داوطلبانه مسیح است که یک بار و برای همیشه بر روی صلیب جلجتا صورت داد.

پس سه راه وجود دارد که در آن، رازهای مقدس، کلام را به عنوان ملاقات با مسیح تصدیق می‌کند. این رازها تغییراتی را که ایمان به وجود می‌آورد مهر تأیید می‌زند، ایماندار را در جامعه جدید به طور محکم تری بنا می‌کند و این جامعه را قادر می‌سازد تا خدا را با هدایایش پرستش کند.

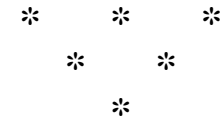
به هر حال بین کلام و راز ارتباط کاملی وجود دارد. در همه مراسم با هم پیش می‌روند و این مسئله از همان ابتدا بوده است. از آنجا که ایمان، ریشه، بنیان و ابتدای تمام عدالت و تقدس در کلیساست، کلام همیشه مقدم تر است. آیین نیایشی کامل آن است که در آن هم بر کلام و هم بر راز تأکید مناسب می‌شود نه جایی که در گسترش یکی از آنها دیگری تأکید نمی‌شود. در حقیقت این مسئله یکی از اصول اصلاح آیین نیایشی یعنی برقراری مجدد هماهنگی بر اساس کتاب مقدس بین کلام و راز در مراسم نیایشی کلیساست.

کلام و راز به این دلیل یکی هستند که هر دو به وسیله خدا انتخاب شده اند تا حضور مسیح در جامعه را ارائه دهند. اما به وسیله یک شباهت کوچک نیز با هم در اتحاد هستند. در بالا ذکر کردیم که کلام خدا به طور رازگونه الهام می‌شود، کلام آنچه را که اعلام می‌کند در خود دارد. کلام قوت است. بطریقی مشابه باید بگوییم راز شیوه ای از اعلام انجیل است. راز قسمتی از *Kerygma* است. راز به خودی خود از طریق سمبل های مناسبش مؤدۀ نجات را اعلام می‌کند یعنی آن پیمانی که خدا در عیسی، مسیح مصلوب و برخاسته، مرگ پیروزمندانه او بر صلیب و رستاخیز او با ما بست.

سؤالاتی برای بحث گروهی

- ۱- خودکشفی خدا آن گونه که در عهد قدیم بیان شده، چگونه صورت گرفت؟
- ۲- الگوی دوگانه (پیام و عمل) چگونه دو اصل در مراسم مربوط به آیین نیایشی اسرائیل را مشخص می کند؟
- ۳- آیین نیایشی اسرائیل چه کیفیت مخصوصی به عنوان یادآوری خودکشفی الهی به جامعه داشت؟
- ۴- قربانی اسرائیل در تمام اشکالش نتیجه ابتکار الهی بود. توضیح دهید.
- ۵- داستان ابراهیم چگونه الگوی مربوط به آیین نیایشی کلام و راز را به تصویر می کشد؟
- ۶- منظور از گفتن اینکه عهد قدیم فقط یک مرحله آمادگی است، چیست؟
- ۷- رازهای مسیحی نسبت به رازهای عهد قدیم برتری دارند. توضیح دهید.
- ۸- چرا اصول تعلیمی «جدید» که به وسیله عیسی اعلام شد در واقع کاملاً «جدید» نبود.
- ۹- بعد از مسیح هیچگونه کار جدید و مهمی از خدا وجود ندارد. توضیح دهید.
- ۱۰- در عیسی، خدا در تاریخ دخالت کرد. توضیح دهید.
- ۱۱- نامیدن مسیح به عنوان کلام و راز عهد جدید به چه معنی است؟
- ۱۲- اهمیت کلمات *Jesus kyrios* (عیسی خداوند) در چیست؟
- ۱۳- اصطلاح *Kerygma* را با توجه به زمینه عهد جدید شرح دهید.
- ۱۴- کلام خدا حاضر است و به شیوه های زیادی در کلیسا کار می کند. توضیح دهید.

این جنبه از راز به وسیله فعالیت مربوط به آیین نیایشی قویاً تأکید می شود، فعالیتی که در پی آن است تا ویژگی کلامی راز را با وضوح بیشتری آشکار کند. مراسم مربوط به آیین نیایشی باید به شیوه ای برگزار شود که نشان های زنده در جامعه و برای جامعه شوند که خداوند برخاسته حاضر است و از طریق مرگش بر صلیب، ایماندار را به سوی زندگی جدید آن بدن مملو از روحش می کشاند. در کلیسا، کلام خدا، رازگونه است و رازها اعلام کننده و بشارت دهنده هستند.



- ۱۵- آیا رازها تنها منابع فیض هستند؟
- ۱۶- خواندن کتاب مقدس در ایمان خودش یک وسیله فیض است. این جمله را با توجه به خواندن کتاب مقدس در خلوت تفسیر کنید.
- ۱۷- کلام به چه شیوه‌ای ممکن است با یک راز ارتباط داشته باشد؟ توضیح دهید.
- ۱۸- چگونه آیین‌های مربوط به راز در عهد جدید نسبت به آیینهای عهد قدیم اساساً برتری دارند؟ توضیح دهید.
- ۱۹- کلام و راز در یک اتحاد کامل هستند. این اتحاد چگونه در عهد جدید به وضوح آشکار می‌شود؟
- ۲۰- در کدامیک از سه راه مذکور کلام و راز در عملشان با هم فرق دارند؟
- ۲۱- ایمان هم در عهد قدیم و هم در عهد جدید به قربانی هدایت می‌شود. توضیح دهید.
- ۲۲- آیا آیین نیایشی مربوط به راز در کلیسا فقط از انگیزه انسانی برمی‌خیزد؟
- ۲۳- در کدام قسمت از آیین نیایشی کلیسا، کلام و راز همراه با عنصر قربانی حضور دارند؟
- ۲۴- در کدام یک از آن سه شیوه، رازها کلام را به عنوان ملاقات با مسیح تأیید می‌کنند؟
- ۲۵- آیین نیایشی کامل آن است که بر کلام و راز تأکید مناسب شود. توضیح دهید.